

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره دوازده

عدد دوازده

Jeff Pippenger

2026-05-23

معمولاً ادعا می‌شود که اگر پنج نفر یک تصادف واحد اتومبیل را دیده باشند، آن پنج شاهد پنج روایت متفاوت از همان سانحه ارائه خواهند داد؛ هرچند امروز، در این دوره‌ای که روح‌القدس از بشر بازداشته می‌شود، بی‌تردید در میان آن شاهدان کسانی نیز خواهند بود که برای پاسداری از جهان‌بینی شخصی خود، درباره آنچه دیده‌اند چیزهایی از خود بسازند و دروغ بگویند، در حالی که بر این باور باشند که با این کار رفتاری فاضلانه انجام می‌دهند. در تاریخ پنهان، چندین شاخه گوناگون حقیقت‌نبوی وجود دارد که نمایانگر شاهدان متفاوت همان رویدادهاست. در کلام خدا هیچ دروغی نیست، هرچند غالباً تفسیر انسانی نادرست از آن رویدادها وجود دارد؛ اما شاهدان کتاب مقدسی این تاریخ، اگر به درستی تفکیک شوند، همگی با یکدیگر موافق‌اند.

پطرس در تاریخ، نمادی از آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است، و شهادت او نمایانگر تاریخی تدریجی است از نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا بیداری ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، سپس به‌عنوان کسی که در نخستین آزمون رؤیای خارجی درگیر است، آنگاه دومین آزمون رؤیای داخلی که آزمون قاطع گلوله‌های آتشین نشویل در پی آن خواهد آمد، تا افراشته شدن علم برای امت‌ها.

دونالد ترامپ در آن تاریخ پنهان حضور دارد، به‌عنوان کسی که تمامی جهانی‌گرایان را - شامل جهانی‌گرایان جهان، حزب دموکرات، و رینوهای حزب جمهوری‌خواه - به جنبش درمی‌آورد. او ویژگی‌های نبوی مرتبط با تصویر وحش را محقق می‌سازد، زیرا همچون هشتمی که از آن هفت است، از مرگ سیاسی قیام می‌کند. او در سراسر تاریخ پنهان جای دارد و مقدر است که در هنگامی حکومت کند که «استبداد فعال» نخست بر ایالات متحده و سپس بر جهان تحمیل می‌شود. پروتستان‌تیسیم مرتد، به‌مثابه هم‌تای ترامپ در دو شاخ وحش زمین، در تاریخ مکابیان حاضر است. تجلیات گوناگون قدرت اژدها در سازمان ملل متحد و روسیه در تاریخ شهادت می‌دهند. پایتت، به‌عنوان غارتگران قوم تو، آنجاست تا همه‌چیز را به هم پیوند دهد و رؤیا را برقرار سازد.

ای خواننده عزیز، پطرس شما هستید. پطرس نامزدی است تا در شمار پرچمداران یک‌صد و چهل و چهار هزار تن باشد. پطرس در میانه ایستاده است، در نقطه میانی چندین خط نبوتی، و به‌واسطه ایمان به قدس‌الاقداص داخل می‌شود و آن تبدیلی را دریافت می‌کند که به‌وسیله رؤیت مسیح به انجام می‌رسد. پطرس بر کوه تبدیل قرار دارد، جایی که باید به صورت مسیح متحول گردد، در حالی که ایالات متحده آمریکا صورت وحش را تشکیل می‌دهد.

«ای برادران، ما باید از خویشتن کمتر و از خدا بیشتر داشته باشیم. او قوای کلیسا را مطالبه می‌کند؛ اما تا حد زیادی توانایی‌های قوم ما صرف مقاصد ناشایست می‌شود. وقت بسیار زیادی به اندیشه‌ها و دعاوی خرد اختصاص می‌یابد. خدا می‌خواهد که ما به فراز کوه برآییم، به‌گونه‌ای مستقیم‌تر به حضور او داخل شویم. ما به بحرانی نزدیک می‌شویم که بیش از هر زمان پیش از این از آغاز جهان، تسلیم و تخصیص کامل هر کسی را که نام مسیح را بر خود نهاده است، خواهد طلبید. کار خدا تمام آنچه را که از ما هست مطالبه می‌کند. اما قوم ما هرگز این تخصیص را نخواهند کرد مگر آنکه دل‌های ایشان دگرگون شود. آنان به همان اندازه که پطرس نیاز داشت، به توبه و بازگشت نیاز دارند. هنگامی که بدین‌سان زنده گردند، مسیح می‌تواند به ایشان بگوید: «برادران خود را استوار ساز»، «گوسفندان مرا خوراک ده»، «بره‌های مرا خوراک ده.»»

«هنگامی که قدرت الهی با تلاش انسانی درآمیزد، کار همچون آتش در کاه خشک گسترش خواهد یافت. خدا از عامل‌هایی استفاده خواهد کرد که منشأ آن‌ها برای انسان قابل تشخیص نخواهد بود؛ فرشتگان کاری را انجام خواهند داد که انسان‌ها می‌توانستند از برکت انجام آن برخوردار شوند، اگر از پاسخ دادن به مطالبات خدا غفلت نورزیده بودند. اکنون این کار به انسان عرضه شده است. آیا او آن را بر عهده خواهد گرفت؟ در زمان حاضر، درهای بسیاری برای کارگران از بند گشوده و کاملاً باز شده‌اند. آیا آنان از این درها وارد خواهند شد؟ چه کسی به فرمان استاد آماده است بگوید: «لبیک، خداوندا، مرا بفرست»؟ ندای مقدونی با التماس‌هایی جان‌سوز از همه نقاط جهان به ما می‌رسد: «عبور کرده، ما را یاری کنید.»» ریویو اند هرالده، ۱۵ دسامبر ۱۸۸۵.

ما باید به کوه بیابیم و همچون پطرس متبدل شویم، و هنگامی که چنین کنیم، همچون اشعیا تطهیر خواهیم شد. تطهیر به‌گونه‌ای تصویر شده است که هنگامی به انجام می‌رسد که قدرت الهی با کوشش انسانی متحد شود. ندای مقدونی در تاریخ پنهان آیه چهل رخ می‌دهد.

«زمان آن فرا رسیده است که در شهرهای ما کوشش‌های قاطع به عمل آید. لوقا ۲۱ را بخوانید. این پیام این زمان است، و برای این نسل آخر نوشته شده است. ما نباید اجازه دهیم چیزی میان ما و کاری که خدا به ما سپرده است تا انجام دهیم، حائل شود. باید کوشش‌های ویژه‌ای به عمل آید تا حقیقت در برابر کسانی که در شهرها هستند قرار گیرد.»

«هیچ وقتی در خُرده‌گیری از دیگران تلف نشود. هرگونه نزاع باید پایان پذیرد. ما باید همچون برادران محبت ورزیم. بیابید با خدا به کوه برآیم، تا با بازتاب جلال خدا بر ما بازگردیم. تنها جایی که می‌توانیم آن را به دست آوریم، کوه با خداست. کاری هست که باید در مطالعه کلام خداوند، آن‌گونه که در شریعت او آشکار شده است، انجام شود. قرائت سطحی بسیار بوده است، اما مطالعه حقیقی چه اندازه بوده است؟ مسیح در میان آدمیان زیست و همان احکام آن شریعت را در جهان موعظه کرد.»

«این کار به‌زودی در عدالت مختصر خواهد شد. ما باید در تلاش‌های خود برای پیش بردن آن تا به انجام رسیدن، استوارتر و پارساگرتر گردیم. زمانی فرا رسیده است که نه فقط باید فعال باشیم، بلکه باید آن فعالیت را چنان متمرکز سازیم که مؤثر واقع شود. اگر زمان بیشتری را بر کوه با خدا سپری می‌کردیم، کار ما ثمربخش‌تر می‌بود.»

«باید قدرتی قانع‌کننده‌تر در موعظه ما پدید آید. شمشیر روح باید از نو تیز گردد و با قدرت به پیش فرستاده شود. آیا خود را بدان وامی‌نهیم، همچون مردانی که همه واقعیات ابدیت را در برابر خویش دارند؟ ما خواهان آنیم که قدرت روح‌القدس به پیش رود و کار خدا را در زمین به کمال رساند.» Australian Union Conference Recorder, October 1, 1906.

این بر کوه است، که همچنین قدس‌الاقداص نیز هست، جایی که الوهیت با انسانیت ما متحد می‌گردد؛ و لوقا ۲۱ پیامی است برای نسل نهایی، که باید هشدار نهایی را به شهرها برسانند. هشدار به شهرها کاری است که اگر ما از آمدن به کوه و متحول شدن به صورت او سر باز زنیم، فرشتگان آن را به انجام خواهند رساند. این کار برای شهرهاست، زیرا نسل آخر در دوره‌ای زندگی می‌کند که در آن «هزاران شهر» باید نابود شوند. دوره نبوی نابودی شهرها با گلوله‌های آتشین نشویل آغاز می‌شود، و کار هشدار از همان‌جا آغاز می‌گردد، و آن کار در لوقا ۲۱ مشخص شده است. در طی سال‌ها، ما بارها نشان داده‌ایم که لوقا ۲۱ هشدار است درباره اسلام وای سوم.

در لوقا ۲۱، عیسی تاریخ را از رد شدن اسرائیل باستان به‌عنوان قوم برگزیده خدا آغاز کرده، آن را تا پایان اعصار تاریک آزار و جفای پاپی دنبال می‌کند، و سپس به نشانه‌هایی می‌پردازد که تاریخ میلری را آغاز کردند. تاریخ میلری، تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار را به تصویر می‌کشد.

و به دم شمشیر خواهند افتاد، و به اسیری به میان همه امت‌ها برده خواهند شد؛ و اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد تا زمان‌های امت‌ها به کمال رسد. و در خورشید و ماه و ستارگان علامت‌ها خواهد بود؛ و بر زمین، تنگی امت‌ها با حیرت؛ در حالی که دریا و امواج خروشان باشند؛ و دل‌های مردمان از خوف و از انتظار آنچه بر جهان خواهد آمد از حال خواهد رفت؛ زیرا قوت‌های آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که در ابری با قوت و جلال عظیم می‌آید. لوقا ۲۱:۲۴-۲۷.

یوحنا در باب یازدهم مکاشفه تصریح می‌کند که ۱,۲۶۰ سال حاکمیت پاپی به‌طور نبوتی «به امت‌ها» داده شد، و لوقا مشخص می‌سازد که در سال ۱۷۹۸، زمان امت‌ها به کمال رسید. سپس مسیح به نشانه‌ها در خورشید و ماه و ستارگان اشاره کرد که جنبش میلری را مشخص می‌سازند، و در پایان فرمود: «و بر روی زمین تنگی امت‌ها با حیرت؛ دریا و امواج در خروش؛ و دل‌های مردم از خوف و انتظار آن حوادثی که بر جهان خواهد آمد از حال خواهد رفت.» «تنگی امت‌ها» در لوقا همان «خشمگین شدن امت‌ها» در مکاشفه است.

و امت‌ها خشمگین شدند، و غضب تو فرارسیده است، و زمان مردگان که داوری شوند، و تا به بندگان خود، انبیا، و به مقدسان، و به آنان که از نام تو می‌ترسند، کوچک و بزرگ، پاداش دهی؛ و آنان را که زمین را تباہ می‌کنند، هلاک سازی. مکاشفه ۱۱:۱۸.

«غضب» خدا در هفت بلای آخر واقع می‌شود و هنگامی آغاز می‌گردد که میکائیل برمی‌خیزد و مهلت آزمایش انسان پایان می‌پذیرد. به خشم آمدن امت‌ها دوره‌ای است که به پایان مهلت آزمایش منتهی می‌شود. به خشم آمدن امت‌ها از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، هنگامی که اسلام وای سوم فرا رسید، و بدین‌سان رسیدن باران آخر را نشان‌دار ساخت.

«دیدم که خشم امت‌ها، غضب خدا، و زمان داوری مردگان، از یکدیگر جدا و متمایز بودند و یکی پس از دیگری می‌آمدند؛ نیز اینکه میکائیل هنوز برنخاسته بود، و آن زمان تنگی‌ای که هرگز ماندش نبوده است، هنوز آغاز نشده بود. امت‌ها اکنون خشمگین می‌شوند؛ اما هنگامی که کاهن اعظم ما کار خود را در قدس به پایان رسانده باشد، او برخواهد خاست، جامه‌های انتقام را بر تن خواهد کرد، و آنگاه هفت بلای آخر فرو ریخته خواهد شد.»

«دیدم که آن چهار فرشته، چهار باد را نگاه خواهند داشت تا کار عیسی در قدس به انجام رسد، و سپس هفت بلای آخر خواهد آمد.» نوشته‌های نخستین، ۳۶.

در تاریخ میلری، به خشم آمدن امت‌ها، یا چنان‌که لوقا ثبت می‌کند، «پیشانی امت‌ها»، به وسیله اسلام تحقق یافت.

«در سال ۱۸۳۸، ترکیه درگیر جنگ با مصر شد. مصریان در آستانه برانداختن قدرت ترکیه بودند. برای جلوگیری از این امر، چهار قدرت بزرگ اروپا، یعنی انگلستان، روسیه، اتریش و پروس، مداخله کردند تا حکومت ترکیه را حفظ کنند.» یوریا اسمیت، Synopsis of Present Truth, 218.

در سال ۱۸۳۸، آنچه «مسئله شرق» نامیده می‌شد، ملت‌ها را به لرزه درآورده بود، و «مسئله شرق» همان اسلام بود، یعنی باد شرقی کتاب مقدسی. تاریخ میلری نشان داد که ملت‌ها به وسیله اسلام متزلزل شدند و سپس خداوند در ابرها به سوی اقدس‌الاقداص آمد، و بدین‌سان نمونه‌ای شد از زمانی که خداوند در ابرها در آمدن دوم خود خواهد آمد. پیش از آمدن او در ابرها، اسلام ملت‌ها را به تنگ می‌آورد، و این همان پیامی است که به پطرس داده می‌شود تا پیشاپیش نابودی «هزاران شهر» به شهرها اعلام کند. دوره نابودی شهرها با گلوله‌های آتشین نشویل آغاز می‌شود.

«ای کاش قوم خدا از ویرانی قریب‌الوقوع هزاران شهر، که اکنون تقریباً به بت‌پرستی سپرده شده‌اند، آگاهی می‌داشتند! اما بسیاری از کسانی که باید حقیقت را اعلام کنند، برادران خود را متهم می‌سازند و محکوم می‌کنند. هنگامی که قدرت تحول‌بخش خدا بر ذهن‌ها فرود آید، تغییری آشکار پدید خواهد آمد. مردم دیگر میلی به انتقاد کردن و ویران ساختن نخواهند داشت. آنان در موضعی نخواهند ایستاد که مانع تابیدن نور به جهان شود. انتقادهای و اتهام‌زنی‌های ایشان پایان خواهد یافت. نیروهای دشمن برای نبرد بسیج می‌شوند. کشمکش‌های سخت در پیش روی ماست. به یکدیگر نزدیک شوید، ای برادران و خواهران من، به یکدیگر نزدیک شوید. با مسیح پیوند یابید. «مگویید: فتنه‌ای!... و از آنچه ایشان از آن می‌ترسند، مترسید و هراسان مشوید. یهوه صباپوت را تقدیس نمایید؛ و او ترس شما باشد و هیبت شما. و او برای مقدس خواهد بود؛ اما برای هر دو خاندان اسرائیل سنگ لغزش و صخره عثرت، و برای ساکنان اورشلیم دام و تله خواهد بود. و بسیاری از ایشان لغزش خواهند خورد، و خواهند افتاد و شکسته خواهند شد، و به دام خواهند افتاد و گرفتار خواهند گردید.»

«جهان صحنه نمایشی است. بازیگران آن، یعنی ساکنانش، خود را آماده می‌کنند تا نقش خویش را در آخرین نمایش بزرگ ایفا کنند. خدا از نظرها دور شده است. در میان توده‌های عظیم بشریت هیچ وحدتی وجود ندارد، مگر آنجا که آدمیان برای برآوردن مقاصد خودخواهانه خویش با یکدیگر هم‌پیمان می‌شوند. خدا نظاره‌گر است. مقاصد او در مورد رعایای سرکش خود به انجام خواهد رسید. جهان به دست انسان‌ها سپرده نشده است، هرچند خدا برای مدتی به عناصر آشفتگی و بی‌نظمی اجازه می‌دهد که حاکم باشند. قدرتی از زیر در کار است تا آخرین صحنه‌های بزرگ این نمایش را پدید آورد،—شیطان که به صورت مسیح ظاهر می‌شود و با همه فریب‌کاری ناراستی در میان کسانی عمل می‌کند که خود را در انجمن‌های سری به یکدیگر پیوند می‌دهند. آنان که تسلیم شور هم‌پیمانی می‌شوند، در حال اجرای نقشه‌های دشمن‌اند. علت، در پی خود معلول را خواهد آورد.»

«تجاوز تقریباً به حدّ نهایه خود رسیده است. آشفتگی جهان را پر کرده است، و به‌زودی وحشتی عظیم بر بشر فرو خواهد آمد. پایان بسیار نزدیک است. ما که حقیقت را می‌شناسیم، باید خود را برای آنچه به‌زودی همچون شگفتی‌ای سهمگین بر جهان فرود خواهد آمد، آماده سازیم.» Review and Herald, September 10, 1903

«عناصر سردرگمی و بی‌نظمی» به‌عنوان ثمره نظامی در حال تولید شدن‌اند که خواهر وایت آن را «آموزش عالی» می‌نامد، و همان را نیز «سر بی‌دینی» معرفی می‌کند. معبد پارتنون نشویل نماد تعلیم کاذب است که اکنون «سردرگمی و بی‌نظمی» ای را پدید می‌آورد که برای «فصلی» سلطه می‌ورزد. گوی‌های آتشین بر نشویل به‌وسیله اسلام آورده می‌شوند و آنها نمایانگر داوری خدا بر «درخت معرفت نیک و بد» هستند. هنگامی که نشویل مورد اصابت قرار می‌گیرد، دوره کوتاه اعلام فریاد نیمه‌شب آغاز می‌شود و به قانون یک‌شنبه منتهی می‌گردد، جایی که «اتحاد» شریانه اشعیا آخرین حرکت خود را انجام می‌دهد، در حالی که جهان مجبور می‌شود حکومت واحد جهانی را بپذیرد که در مکاشفه سیزدهم به‌عنوان صورت وحش معرفی شده است. شناسایی اشعیا از اتحاد شریانه با مهر شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار تن همسو است.

به هر آنانی که این قوم به ایشان خواهند گفت: «اتحاد»، شما مگویید: «اتحاد»؛ و از آنچه ایشان از آن می‌ترسند مترسید، و هراسان مشوید. یهوه صباپوت را خود تقدیس نمایید؛ و او ترس شما باشد، و او هراس شما. و او برای شما قدس خواهد بود؛ اما برای هر دو خاندان اسرائیل، سنگ لغزش و صخره مصادمه، و برای ساکنان اورشلیم دام و تله خواهد بود. و بسیاری از ایشان خواهند لغزید، و خواهند افتاد، و شکسته خواهند شد، و در دام گرفتار خواهند آمد، و گرفته خواهند شد.

شهادت را ببند، و شریعت را در میان شاگردان من مهر کن. و من برای خداوندی که روی خود را از خاندان یعقوب پنهان می‌دارد، انتظار خواهم کشید، و به او چشم خواهم دوخت. اینک، من و فرزندان که خداوند به من عطا فرموده است، از جانب یهوه صباوت، که در کوه صهیون ساکن است، در اسرائیل برای آیات و عجایب هستیم. و هنگامی که به شما گویند: «به صاحبان ارواح آشنا و به جادوگرانی که پچ‌پچ می‌کنند و زمزمه می‌نمایند مراجعه کنید»، آیا قومی نباید از خدای خود بطلبد؟ آیا برای زندگان به مردگان رجوع کنند؟ به شریعت و به شهادت! اگر ایشان موافق این کلام سخن نگویند، از آن روست که در ایشان هیچ نوری نیست. اشعیا ۸: ۱۲-۲۰.

این بخش از نوشته‌های خواهر وایت مشخص می‌سازد که دوره‌ای از «آشفستگی و بی‌نظمی» به «آمدن شیطان در هیئت مسیح» می‌انجامد. شیطان در هنگام قانون یکشنبه در هیئت مسیح ظاهر می‌شود.

«با حکمی که نهاد پاپیت را در نقض شریعت خدا برقرار می‌سازد، ملت ما خویشتن را به طور کامل از پارسایی جدا خواهد کرد. هنگامی که پروتستانیسم دست خود را از فراز این شکاف دراز کند تا دست قدرت روم را بگیرد، هنگامی که از فراز این پرتگاه دست دراز کند تا با اسپیریتوالیسم دست دهد، هنگامی که تحت تأثیر این اتحاد سه‌گانه، کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را به‌عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری‌خواه مردود بشمارد و برای گسترش اکاذیب و فریب‌های پاپی زمینه فراهم سازد، آنگاه می‌توانیم بدانیم که زمان عملکرد شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» Testimonies, volume 5, 451.

دوره «سردرگمی و بی‌نظمی» در آستانه قانون یکشنبه رخ می‌دهد. درست پیش از قانون یکشنبه، در دوره‌ای که به‌وسیله گردهمایی اردوگاهی اکستر و ده روز در بالاخانه پیش از پنتیکاست نمونه‌وار شده است، آن یکصد و چهل و چهار هزار تن باید «به یکدیگر نزدیک شوند، ای برادران و خواهران من، ... با مسیح پیوند یابند.» مهر شدن پیش از قانون یکشنبه واقع می‌شود، و در همان تاریخ است که کنفدراسیونی شریک کار نهایی خود را برای برپا ساختن یک حکومت جهانی واحد آغاز می‌کند.

در زمان مهرگذاری، مسیح برای عادلان مقدّسی خواهد بود، اما برای شیربان سنگ لغزش. او «دامی و تله‌ای برای ساکنان اورشلیم» خواهد بود، یعنی همان «بسیاری» که می‌افتند؛ اما برای آن اندکان که مهر شده‌اند، «او» مایه «ترس» ایشان خواهد بود.

«ترس» از خدا همان چیزی بود که حوا فاقد آن بود، و آنان که از خدا می‌ترسند، نوعی متفاوت از ترس را دارا هستند، متفاوت از ترسی که بر بسیاری از آنان که لغزش می‌خورند عارض می‌شود. این دو نوع ترس، آنان را که از فرایند آزمون سربلند بیرون می‌آیند و آنان را که در آن ناکام می‌مانند، مشخص می‌سازد. آنان که کامیاب می‌شوند، مهر می‌گردند؛ و آنان که نمی‌شوند، با عدد پنج نشان داده شده‌اند، زیرا «بلغزند، و بیفتند، و شکسته شوند، و در دام گرفتار آیند، و گرفته شوند.» زمانی که مهر شدن، که پیش از قانون یکشنبه رخ می‌دهد و با دوره‌ای از سردرگمی و بی‌نظمی همراه است، به وقوع می‌پیوندد، همان زمانی است که مثل ده باکره به انجام می‌رسد.

آن معدود کسانی که در تقابل با بسیاری لغزش‌خوردگان مهر شده‌اند، همان کسانی هستند که برای خداوند «انتظار» می‌کشند؛ و بدین‌سان با باکره‌های دانا که «انتظار کشیدند» شناخته می‌شوند. همچنین در میان دو طبقه باکره‌ها، گونه‌ای انتظار نبوی تقدیس‌شده و تقدیس‌ناشده وجود دارد که با دو نوع ترس متناظر است.

«چون داماد تأخیر کرد، همگی پینکی زدند و به خواب رفتند.» از تأخیر داماد، گذشتن زمانی که انتظار می‌رفت خداوند در آن بیاید، نومیدی، و تأخیر ظاهری مراد است. در این زمان عدم یقین، علاقه سطحی‌نگران و نیم‌دل‌ها به‌زودی دستخوش تزلزل شد و کوشش‌هایشان سستی گرفت؛ اما

آنان که ایمانشان بر شناختی شخصی از کتاب مقدس بنا شده بود، صخره‌ای زیر پای خود داشتند که امواج نومیدی نمی‌توانست آن را از میان ببرد. «همگی پینکی زدند و به خواب رفتند»؛ یک گروه در بی‌اعتنایی و دست کشیدن از ایمان خویش، و گروه دیگر با شکیبایی در انتظار تا نور روشن‌تری داده شود. با این همه، در شب آزمایش، گروه دوم نیز تا اندازه‌ای شور و اخلاص خود را از دست‌رفته می‌نمودند. نیم‌دل‌ها و سطحی‌نگران دیگر نمی‌توانستند بر ایمان برادران خود تکیه کنند. هر کس باید برای خود بایستد یا سقوط کند.» کشمکش عظیم، ۳۹۵.

آنان که به‌گونه‌ای تقدیس‌شده انتظار می‌کشند، باید «آیات و عجایب» باشند، هنگامی که در زمان قانون یکشنبه به‌منزله علمی برای جهان برافراشته می‌شوند؛ زمانی که مسئله درخت معرفت نیک و بد نمایانگر معرفت «اصحاب اجنه و افسونگرانی است که نجوا می‌کنند و زمزمه سر می‌دهند» و آن معرفتی است که با این عبارت شناخته می‌شود: «به شریعت و به شهادت.» این همان آزمونی است که برای حوا و آدم بود. آیا آموزشی را می‌پذیریم که حقیقت با خطا در آن آمیخته و ممزوج شده است، یا بر «خداوند چنین می‌فرماید» می‌ایستیم؟ زیرا اگر مطابق این کلام سخن نگویند، از آن روست که نوری در ایشان نیست. تعلیم راستین و تعلیم کاذب، خط اصلی حقیقت در کشمکش عظیم میان مسیح و شیطان است. نشویل نماد عصیان بر ضد کلام خداست، همان‌گونه که سدوم بی‌عفتی را نماد است، و همان‌گونه که نیویورک نماد قدرت اقتصادی ایالات متحده است و پنتاگون نماد اقتدار نظامی آن.

پطرس بر آستانه گوی‌های آتشین نشویل، در پانیوم و بر فراز کوه، ایستاده است؛ آستانه‌ای که آزمون هیکل را نمایندگی می‌کند. او تشخیص می‌دهد که ادونتیسیم لائودیکیه‌ای روز هفتم در شرف آن است که هنگامی که گوی‌های آتشین فرود آیند، توبیخ گردد و سرافکنده شود، و این‌که نشویل، ایالات متحده و جهان باید هشدار داده شوند. پیام اسلام، قاصدان را تأیید می‌کند؛ همان‌گونه که آتشی که بر کرمل فرود آمد، تأیید کرد که ایلیا نبی راستین بود. با این همه، هشدار به نشویل صرفاً اسلام‌وای سوم نیست، چه رسد به این‌که فقط درباره نوع سلاح‌هایی باشد که در حمله غافلگیرانه به کار گرفته می‌شوند. پیام هشدار باید مشخص سازد که چرا به اسلام اجازه داده می‌شود که داوری را به ارمغان آورد؛ داوری‌ای که دوره‌ای را آغاز می‌کند که در آن هزاران شهر نابود می‌شوند. این‌که از پیش مشخص شود اسلام حمله‌ای غافلگیرانه بر نشویل پدید خواهد آورد، قاصدان را تصدیق خواهد کرد، اما اگر همه کارکرد آن همین باشد، هشدار ناقص است.

گوی‌های آتشین نشویل داوری خداست که دوره‌ای کوتاه را آغاز می‌کند که به قانون یکشنبه ختم می‌شود؛ قانونی که همان‌گونه که در آغاز این دوره نیز بود، خود نیز داوری خداست. خدا از پیش به آدم و حوا گفت که آزمون چه بود، و اگر در آن آزمون کامیاب نمی‌شدند، پیامدهای آن چه می‌بود. خواهر وایت اهمیت توانایی استدلال «از علت به معلول» را مشخص می‌سازد، و کتاب مقدس بیان می‌دارد که «لعنت» بدون «علت» نخواهد آمد.

چنان‌که گنجشک با پرسه زدن، و چنان‌که پرستو با پرواز، همچنین لعنت بی‌سبب نخواهد آمد. امثال 26:2.

گوی‌های آتشین نشویل «اثر» هستند، و «لعنتی» که می‌آید. پیام هشدار باید «علت» را نیز دربرگیرد. پیام یونس نبی صرفاً اعلام نابودی در چهل روز نبود، بلکه احیا و اصلاحی را از پادشاه تا سراسر جمعیت پدید آورد. آنچه مشخص شد این بود که پادشاه و قومش از راه‌های شرپرانه بازگشتند. یونس به آنان از نابودی در راه خبر داده بود، و به ایشان گفته بود که این به سبب شیوه زندگی شرارت‌آمیز و پلید ایشان است.

زیرا خبر به پادشاه نینوا رسید، و او از تخت خود برخاست، و ردای خویش را از بر کند، و پلاس بر خود پوشید، و در خاکستر نشست. و به فرمان پادشاه و بزرگان در سراسر نینوا اعلام و منتشر ساختند که: نه انسان و نه حیوان، نه گله و نه رمه، چیزی بچشند؛ نه بچرند و نه آب بنوشند؛ بلکه انسان و حیوان هر دو پلاس بپوشند، و با قوت نزد خدا فریاد برآورند؛ و آری، هر یک از راه شیرانه خود، و از ظلمی که در دست‌های ایشان است، بازگردد. یونس ۶: ۳-۸.

اسلام قدرتی شیپورگونه است، و هفت شیپور مکاشفه باب‌های هشت تا یازده، و نیز باب شانزدهم، دارای ویژگی‌های نبوتی مشخصی هستند. چهار شیپور نخست، داوری‌هایی بر روم امپراتوری بودند به سبب وضع نخستین قانون یکشنبه در سال ۳۲۱. دو شیپور بعدی، داوری‌هایی بر روم پاپی بودند به سبب وضع قانون یکشنبه در سال ۵۳۸. هفت شیپور مکاشفه باب‌های هشت تا یازده، نمونه‌وار هفت بلای آخر مکاشفه باب شانزدهم هستند، که داوری خدا بر بشر به سبب اجرای اجباری یکشنبه است.

پیام هشدار نشویل باید گام‌هایی را که به سوی یک قانون یکشنبه رهنمون می‌شوند، شناسایی کند، و بر اساس شهادت نبوی، داوری در پی می‌آید و بر علت پیشی نمی‌گیرد. داوری، اثر اجرای اجباری یکشنبه است. پنج شاهد تاریخ پنهان آیه چهل که اکنون در حال بررسی آن هستیم، شهادت‌های متفاوتی ارائه می‌دهند، اما برخلاف شاهدان انسانی، همه خطوط نبوی با یکدیگر در هم می‌آمیزند. شناسایی گام‌های قانون یکشنبه نهایی در ایالات متحده، هنگامی تحقق می‌یابد که پطرس شهادت دونالد ترامپ را برای توضیح اثر گلوله‌های آتشین نشویل با هم ترکیب می‌کند.

هشدار نشویل به جهان این است که خدا در آن مقطع زمانی داوری نهایی خود را بر انسان‌ها و ملت‌ها آغاز می‌کند. سپس دوره‌ای از ویرانی شهرها آغاز می‌شود و به سرعت به قانون یکشنبه می‌انجامد، جایی که ارتداد ملی با خرابی ملی دنبال می‌شود. آنگاه شیطان ظاهر می‌شود تا خود را به جای مسیح بنمایاند، و آن اتحادیه شریر برقرار می‌گردد، زیرا آن ده پادشاه موافقت می‌کنند که پادشاهی خود را به دزدان قوم تو، که رؤیا را استوار می‌سازند، بدهند. هشدار نشویل به وسیله تاریخی بازنمایی می‌شود که پیش از نشویل قرار دارد، چنان‌که با اقدام دونالد ترامپ در ساختن تصویری برای وحش نمایان شده است. پیام ترامپ همان شیپور هشدار است که پیش از گوی‌های آتشین نشویل می‌آید.

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.